

بسم الله الرحمن الرحيم!

جایگاه مسلمانان در قبال بشارت‌های رسول الله صلی الله علیه وسلم چه گونه باید باشد؟

(ترجمه)

رسول الله صلی الله علیه وسلم برای مسلمان بشارت‌های بسیاری داده است که در میدان عمل بسیار تشویق کننده بوده و آنان را برای پیروزی مطمئن می‌سازد. برخی از بشارت‌ها محقق شده و برخی تا هنوز محقق نشده است. از براء بن عازب رضی الله عنه روایت است که گفت:

«لما كان حين أمرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم بحفر الخندق عرضت لنا في بعض الخندق صخرة لا تأخذ فيها المعاول فاشتكيننا ذالك إلى النبي صلى الله عليه وسلم فجاء فأخذ المعول فقال: بسم الله فضرب ضربة فكسر ثلثها و قال: الله أكبر أعطيت مفاتيح الشام و الله إنى لأبصر قصورها الحمر الساعة ثم ضرب الثانية فقطع الثلث الآخر فقال: الله أكبر أعطيت مفاتيح فارس و الله إنى لأبصر قصر المدائن أبيض ثم ضرب الثالثة و قال: بسم الله فقطع بقية الحجر فقال: الله أكبر أعطيت مفاتيح اليمن و الله إنى لأبصر أبواب صنعاء من مكاني هذا الساعة» (فتح الباری تألیف ابن حجر)

ترجمه: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را به حفر خندق فرمان داد، در قسمتی از خندق، ما به صخره‌ای برخورد نمودیم که کلنگ از شکستن آن عاجز بود. از این صخره نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم شاکی شدیم، رسول الله نزد سنگ آمد و کلنگ را گرفته گفت: بسم الله! سپس یک ضربه به صخره زد، یک سوم آن شکست، رسول الله گفت: الله اکبر! کلیدهای شام برای ما داده شد! قسم به الله من همین اکنون کاخ‌های سرخ را مشاهده می‌کنم، دوباره بر صخره ضربه زد و یک سوم دیگر آن نیز شکست و رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: الله اکبر، کلیدهای فارس برای ما داده شد، قسم به الله که دارم کاخ سفید مدائن را مشاهده می‌کنم؛ سپس برای بار سوم ضربه زد و گفت: بسم الله! تمام صخره شکست و گفت: الله اکبر! کلیدهای یمن برای ما داده شد، قسم به الله من همین اکنون از همین جا دروازه‌های صنعاء را مشاهده می‌کنم.

بلی، بشارت‌های که رسول الله صلی الله علیه وسلم در خصوص وسعت و گسترش فتوحات اسلامی از آن خبر داده بود، در زمان خلافت راشدۀ اول تحقق یافت. رسول الله صلی الله علیه وسلم از این بشارت‌ها در زمانی خبر داد که مسلمانان در مدینه در حالت محاصره به سر می‌بردند، از هر طرف سختی‌ها، ترس از هجوم دشمن، گرسنه‌گی و سرمای طاق فرسا، آن‌ها را تحت فشار قرار داده بود. رسول الله صلی الله علیه وسلم تا این که مسلمانان را در طریقه‌ای که برای شان هموار کرده بود قرار نداد، به دیار عقبا رحلت نکرد. پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه وسلم خلیفۀ مسلمین پیشوای شان گردید و براساس شریعت الله سبحانه و تعالی بر آنان حکومت می‌نمود. برای اعلائی کلمة الله و گسترش عدالت در اکناف جهان، لشکریانش بیابان‌ها را یکی پس از دیگری پیموده و کشتی‌های شان در دل اقیانوس‌ها فرومی‌رفت.

روزهای را که ما اکنون پشت سر می‌گذاریم روزهای یاد بود از فتح قسطنطنیه می‌باشد. از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت است که گفت:

بينما نحن حول رسول الله صلى الله عليه و سلم نكتب إذ سئل رسول الله أي المدينتين تفتح أولاً قسطنطينيه أو رومية؟ فقال رسول الله صلى الله عليه و سلم: «مدينة هرقل تفتح أولاً- يعنى قسطنطينيه»

ترجمه: ما در اطراف رسول الله صلى الله عليه وسلم نشسته بودیم که از ایشان پرسان شد، کدام یکی از این شهرها فتح می‌شود؟ آیا قسطنطنیه اول فتح می‌شود و یا روم؟ رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: نخست شهر هرقل -قسطنطنیه- فتح خواهد شد. این حدیث را امام احمد در مسند خود روایت کرده و از نظر حاکم و ذهبی صحیح می‌باشد.

همان طور عبدالله بن بشرالختعمی از پدرش روایت می‌کند که وی از رسول الله صلى الله عليه وسلم شنیده است که می‌فرمودند:

«لَتُفْتَحَنَّ الْقُسْطَنْطِينِيَّةُ، فَلَنَعْمَ الْأَمِيرُ أَمِيرُهَا، وَ لَنَعْمَ الْجَيْشُ ذَلِكَ الْجَيْشُ»

ترجمه: قسطنطنیه را فتح خواهند کرد، چه نیکو فرمانده‌ای است فرمانده این اردو فاتح و چه نیکو اردوی می‌باشد این اردو!

این حدیث را نیز امام احمد و البزار روایت می‌کنند.

می‌بایست که در مورد بشارت فتح قسطنطنیه و چه گونه‌گی سبقت‌جوی مسلمانان برای تحقق آن توقف کوتاهی داشت. اولین تلاش‌ها برای فتح قسطنطنیه در سال 49 هجری مصادف به 669 میلادی در دوران خلافت معاویه بن ابوسفیان صورت گرفت. این خلیفه قدرت‌مند مسلمانان، نیروی زمینی انبوهی را به فرماندهی فضاله بن عبیدالله انصاری برای محاصره این شهر فرستاد. این فرمانده با لشکریانش در قلب سرزمین‌های بیزانس جولان می‌زد، تا این که به خلقدونیه نزدیک پایتخت روم رسید. فضاله زمستان همان سال را در املاک امپراطوری سپری نمود و معاویه رضی الله عنه پشت سر هم به فرماندهی سفیان بن عوف تدارکاتش را فراهم می‌دید و برایش کمک می‌فرستاد. (منبع: ابن الأثیر الجزری، ابوالحسن علی بن ابی الکرّم الشیبانی. در الکامل فی التاریخ، چاپ دوم، بیروت- لبنان، دارالکتب البنانی، صفحه 227) لیکن مسلمانان به پیروزی‌های نهائی دست نیافته، ناچار دست از محاصره این شهر برداشتند و به دمشق باز گشتند. در این غزوه یکی از اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم ابو ایوب الانصاری که همراهی لشکر فضاله بود، شهید و در کنار دیوارهای قسطنطنیه دفن گردید. (منبع: ابن خیاط اللیثی، ابو عمرو بن ابی هریره خلیفه. تحقیق اکرم ضیاء العمری، ناشر. تاریخ خلیفه بن خیاط، چاپ اول، نجف الاشرف- عراق. صفحه 197)

برای بار دوم نیز در سال 98 هجری مصادف به 717 میلادی در دوران خلافت سلیمان بن عبدالملک، مسلمانان برای فتح قسطنطنیه تلاش کردند. همان طور در پی این تلاش‌ها در ادوار پس از آن، برخی از مورخین از جمله تلاش‌های مسلمانان برای فتح قسطنطنیه چندین مورد را روایت می‌کنند که در آن مسلمانان فقط تا حومه‌ای این شهر رسیده؛ اما موفق به فتح آن نشدند. از جمله، حمله خلیفه‌ای عباسی هارون الرشید برای تعقیب و مجازات امپراطور، قیصر روم، تکفور اول، حمله‌ای که به وسیله آن شهر هرقله یکی از شهرهای حومه قسطنطنیه فتح شد و از جمله تلاش‌های خلافت عثمانی پیش از محمد فاتح که موفق به تحقق این بشارت نشدند.

روزهای که ما در آن قرار داریم، مصادف است به روزهایی که فاتح رحمه الله غزوه قسطنطنیه را آغاز و این شهر را در 26 ربیع الاول 857 هجری محاصره و در روز سه‌شنبه 20 جمادی الاول همان سال؛ یعنی پس از دوماه محاصره این شهر را فتح نمود. زمانی که فاتح

رحمه‌الله با پیروزی وارد شهر می‌شد، از اسپس پایین آمده، برای موفقیت و پیروزی‌یی که الله سبحانه‌وتعالی برایش عطاء کرده بود، سجده شکر به جا آورد. بلی، این بشارت در دست این جوان -محمد فاتح- که سن‌اش از 21 سال نمی‌گذشت، تحقق یافت. اما آن‌چه قابل یادآوری می‌باشد این است که فاتح رحمه‌الله از زمان طفولیت خویش شعوری برای تحقق این بشارت آماده می‌شد. پدرش سلطان مراد خان وی را برای چنین روزی تربیه کرده بود. سلطان مراد وی را دانش‌آموز بهترین اساتید دوران خود گردانده بود. احمد بن اسماعیل الکووانی که سیوطی آن را اولین معلم فاتح خوانده و در مورد آن چنین می‌گوید: "او یک عالم فقهی بود که علمای دورانش به زبردستی و مهارت وی گواهی می‌دادند؛ بلکه حتا وی را ابوحنیفه دورانش می‌نامیدند." همان‌طور شیخ آق شمس‌الدین سقر که برای اولین بار در دوران طفولیت فاتح رحمه‌الله در ذهن‌اش حدیث رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در خصوص فتح قسطنطنیه را جای داده بود. چنین بود که این جوان بزرگ شد و همواره به دنبال تحقق این فتح با دستان خودش بود.

مسلمانان اوائل با خلیفه‌ها و اردوهای‌شان، این‌گونه بودند. آن‌ها برای تحقق بشارت‌های رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم سبقت‌جویی می‌نمودند. عظمت اسلام و مسلمان؛ زمانی که اسلام را در اجتماع و دولت به موضع تطبیق قرار می‌دادند، این‌گونه بود. امروز چه کسی هست که شرف پیوستن به این فهرست مبارک و پرافتخار را دریافته و برای تحقق بشارت‌های دیگر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم؛ چون خلافت راشد دوم، پیکار بایهود و فتح روم که تا هنوز تحقق نیافته‌اند، بشتابد. آیا آن حاکمی است که فقط هدف‌اش به دست آوردن رضایت و دوستی آمریکا می‌باشد؟ یا حاکمی است که تلاش دارد دوستی یهود را کسب نماید؟ یا حاکمی ظالم و مستبدی می‌باشد که براساس شریعت الله سبحانه‌وتعالی حکومت نمی‌کند؟ یا حاکمی است که احکام طاغوتی و جاهلیت را بر احکام پروردگار عالمیان ترجیح می‌دهد؟ و یا حاکم مزدوری می‌باشد که بر مردم مسلط بوده، به هیچ عهدی پایبند نیست؛ نه لحاظ خویش را دارد؛ نه بیگانه را؟!!

در سرزمین‌های اسلامی پس از سقوط خلافت عثمانی در 3 مارچ 1924 میلادی به این‌سو، میدان برای کفار استعمارگر غربی خالی مانده است. سرزمین‌های اسلامی را مملو از فساد ساختند، نسل‌کشی به راه انداختند، سرزمین‌های اسلامی را به کشور خورد و بزرگ و هدف‌مند، به رژیم‌های کارتونی و سمبولیک تقسیم کردند و در رأس هر رژیم، یکی از فرزندان امت را گماشتند، کسانی که هم‌زبان ما بوده و سرزمین‌های تحت حاکمیت خود را طوری عیار می‌سازند که مصلحت اربابان‌شان تقاضا کند. کسانی که بر روی مردم سیلی زده و برای حفاظت چوکی‌های خویش علیه مردم لشکرکشی می‌کنند، جان‌های بسیاری را گرفته و زندان‌های بسیاری می‌سازند. کسانی که اذهان مردم را با افکار متعفن و گوناگون خویش مخشوش ساخته، دسته‌های را تربیه می‌کنند که جز وفاداری به خانواده حاکم، حزب حاکم و فرد حاکم، چیز دیگری را نمی‌شناسند.

این وضعیت حکام کنونی سرزمین‌های اسلامی می‌باشد. به الله قسم ما را در حالت و وضعیت قرار داده‌اند که باید به مروت، مردانگی، شهامت، ایمان و تقوای نیروی‌های مسلح خویش شک‌نماییم. اگر غیر از این است؛ پس چه چیزی آن‌ها را بعد از این‌که همه‌چیز را می‌شنوند و می‌بینند، به جای‌شان نشانده است؟ چه چیزی آن‌ها را از ادای وظیفه‌شان بازداشته و مشغول‌شان کرده است؟ و یا چه چیزی سبب شده است که برای به دست آوردن رزق‌شان خون‌ها و مال‌های مسلمانان را معامله می‌کنند؟! وای بر آن‌ها! رگ و پی مسلمانان را به آتش می‌کشاند؛ درحالی‌که مسلمانان هنوز انتظار این را دارند که آنان را در حل و فصل مطلوب قضایا سهیم سازند. وای بر آن‌ها! مسلمانان را به فشارهای خونی، سکت‌های مغزی، فشار عصبی، اغتشاشات روانی و تمام

مریضی‌های برخاسته از غم و اندوه آغشته ساخته‌اند. مسلمانان از ناراحتی و غصه‌داری‌های بسیار چشم‌به‌راه قیام‌های امت می‌باشند، قیام‌های که بی‌گمان منجر به نابودی این حکام پست و خائن خواهد شد. وای بر شما! ای اردوهای سرزمین‌های اسلامی، چه چیز شما را زیرکانه فریب داده است؟ ای نوادگان عمر و صلاح‌الدین شما را چه شده است؟ بیائید شک و تردیدها را نسبت به مردانگی و تقوای خویش بر طرف ساخته، گمان‌ها را نسبت به خود نیکو گردانید. این غبار ذلت و خواری را از بالای خود فروریخته، ننگ پستی و زبون بودن، ضعیف نمایان شدن و سرشکستگی را از امت خود دور سازید. زمان آن رسیده است که از طریق نصرت به حزب‌التحریر برای تحقق بشارت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به پرپایی خلافت راشده دوم بر منہج نبوت، پیکار با یهود و فتح روم بشتابید.

برپایی دوباره خلافت و آزادسازی دوباره بیت‌المقدس ما را در صف بندگان برگزیده الله سبحانه‌وتعالی قرار می‌دهد، کسانی که الله سبحانه‌وتعالی قبل از ما آنان را به این فضیلت نایل ساخته بود، چیزی که برای ما شرف دریافتن چنین افتخار بزرگی را بخشیده و در انجام چنین عمل بزرگی سهیم می‌سازد. سعادت باد برای آن اردو، سعادت باد برای اردویی که معجزه‌های نبوی، واقعه‌های بدرگونه، عزم‌های راسخ ابوبکری، فتوحات عمری، لشکرکشی‌های عثمانی، یورش‌های علی‌گونه در دستان او محقق می‌شود. سعادت بر آن اردویی باد که روزهای نبرد قادسیه، حماسه‌های یرموکی، صف آرائی‌های خیبری، هجوم‌های خالدگونه و فتوحات صلاح‌الدینی را برای اسلام تجدید می‌کند. سعادت برای آنانی باد که الله سبحانه‌وتعالی بر آن‌ها انعام کرده است، آن‌ها اردوی می‌باشند که برای بار دوم بیت‌المقدس را فتح می‌نماید. سعادت بر آن اردوی باد که پس از تأسیس خلافت، زریعه توپ‌خانه‌ها، تانک‌ها و جنگنده‌های خویش شعار ایمان و پرچم لاله‌الاله را بر می‌افراشانند. زود است که الله سبحانه‌وتعالی زریعه‌شان پایتخت‌ها و کشورهای زیادی؛ چون: روم، لندن و واشنگتن را فتح کند. زود است که تهنیت عرض کردن‌ها برای آسمانی‌ها بیش‌تر از زمینی‌ها باشد. تحقق بشارت حبیب قلب‌ها محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وسلم به فتح روم گوارای‌شان باد. امام احمد و راویان دیگری غیر از او از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی‌الله‌عنهما روایت نموده‌اند که گفت:

بینما نحن حول رسول الله صلی‌الله‌علیه و سلم نکتب إذ سئل رسول الله ای المدینتین تفتح أولاً قسطنطینیة أو

رومیة؟ فقال رسول الله صلی‌الله‌علیه و سلم: «مدینة هرقل تفتح أولاً- یعنی قسطنطینیة»

ترجمه: ما در اطراف رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نشسته بودیم که از ایشان پرسان شد کدام یکی از این شهرها فتح می‌شود؟ آیا قسطنطینیة اول فتح می‌شود و یا روم؟ رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: نخست شهر هرقل -قسطنطینیة- فتح خواهد شد.

این حدیث را امام احمد در مسند خود روایت کرده و از نظر حاکم و ذهبی صحیح می‌باشد.

همان‌طور، خبر دادن رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به رسیدن اسلام در گوشه‌گوشه کره زمین؛ طوری که هیچ خانه سنگی و هیچ خانه گلی نخواهد ماند؛ مگر این‌که الله سبحانه‌وتعالی به عزت دادن برخی و ذلیل ساختن برخی دیگر، اسلام را در آن‌جاها داخل خواهد برد. در روایتی تمیم داری می‌گوید، من از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنیده‌ام که چنین می‌فرمودند:

«لِيُبَلِّغَنَّ هَذَا لِكُلِّ مَرْءٍ مِمَّنْ يَدْعُو إِلَى اللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِئَلَّامُ يَتُوبَ إِلَى اللَّهِ نَسِئًا»
يعز الله به الإسلام و ذلاً يذل الله به الكفر»

ترجمه: قطعاً این امر تا آن جا خواهد رفت که شب و روز در آن جا رفته باشد، الله سبحانه و تعالی هیچ خانه گلی و یا سنگی را نخواهد گذاشت؛ مگر این که به عزت دادن برخی و ذلیل ساختن برخی دیگر، عزتی که الله به وسیله اسلام و ذلتی که به وسیله کفر می دهد، این دین را وارد آن خانه ها می نماید.

سعادت باد برای شان زمانی که تمام جهان زیر چتر حکومت اسلام بیاید. در حدیث صحیح از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت است که می فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ زَوَى لِي الْأَرْضَ فَرَأَيْتَ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَإِنْ أُمَّتِي سَبَّلَتْ لِي مَلِكًا مَا زَوَى لِي مِنْهَا»

ترجمه: الله سبحانه و تعالی برای من زمین را فشرده ساخت، تا این که من طلوع گاه ها و غروب گاه های آن را مشاهده نمودم؛ هرآن چه از زمین برای من فشرده شده است، امت من آن را مالک خواهد شد.

چه بشارتی عظیمی، چه خبردهی و پیش گوئی راستینی و چه زیننده سعادت، این که مسلمانان عملی را انجام دهند که این بشارت ها بر دستان آن ها محقق شود. بارالها! ما از جمله کسانی قرار بده که خلافت اسلامی را برپا، بیت المقدس را آزاد، روم و تمام پایتخت های کفری را فتح می نمایند. بارالها! ریشه کسانی؛ چون: امریکائی ها، یهود و مزدوران شان در سرزمین های اسلامی را که بر روی زمین ظلم و استبداد راه انداخته اند، خشکانده و نابود ساز. آمین!

نویسنده: استاد سلیمان المهاجری - ولایه یمن

مترجم: علی مطمئن